نجما، میزبان «هنر عاشورایی»

نمایشگاه گروهی هنرهای تجسمی با عنوان «هنر عاشورایی» از ۲۲شهریور آغاز شده و تا ۲۷ همین ماه در گالری نجما ادامه دارد. این خبر را مهر منتشر کرده و نوشته است: در این نمایشگاه که با انتشار فراخوان ۳۶هنرمند در آن شرکت کرده‌اند تعداد ۵۳ اثر نقاشی، تصویرسازی، نقاشیخط، خوشنویسی، پوستر، نقاشی قهوه خانه‌ای و عکس به مدت شش روز به نمایش درمی‌آید.

آثاری از پیمان پیروی در رشته نقاشیخط، اسحاق حنیفه در خوشنگاری، محمدرضا حسینی در نقاشی قهوه خانه‌ای، حسام‌الدین طباطبایی در تصویرسازی، حسن مرادی در رشته نقاشی خودآموخته و ۳۱ هنرمند و هنرجو از تهران و شهرستان‌ها در این نمایشگاه در معرض دید قرار گرفته است.

گالری نجما به نشانی بلوار میرداماد، خیابان البرز، ابتدای خیابان تابان شرقی، پلاک ۴۴ طبقه پنجم جنوبی میزبان این آثار است.

هنرمندان موسیقی از تاثیر ماه محرم و نواهای این ماه بر زندگی هنری‌شان می‌گویند

نوبت محرم شد

گروه ادبیات و هنر

موسیقی رنگ محرم گرفته است. خیلی قبل‌ترها، آن زمان که هنوز بسیاری از هنرهای دیگر وارد مسیر کربلا نشده بودند و عرض ارادت به امام حسین (ع) و یارانش را به زبان هنر آغاز نکرده بودند، موسیقی فعالیت خود را شروع کرده بود.

شده بود پای ثابت تعزیه‌ها و نوحه‌خوانی‌ها. مداحان و نوحه‌خوانان ایرانی تحت تاثیر موسیقی ردیف دستگاهی که موسیقی اصیل کشورمان است، راه کربلا را پیش گرفته بودند و از حضرت سیدالشهدا می‌خواندند. همین ریتم‌های موسیقی ایرانی کم‌کم جای خود را در دسته‌های عزاداری ایام محرم هم باز کردند و ریتم‌ها و صداهایی ساختند که دارای شخصیت خاص و منحصر به فرد خود است؛ ریتم‌هایی که می‌گوید باز محرم رسیده است. موسیقی آنقدر با شخصیت و پخته است که می‌شود ریتمش را از هر موسیقی دیگری تشخیص داد. جدای از شخصیت موسیقایی‌اش هم سازندگانش حال و هوای خاصی داشته و آثاری از خود به جا گذاشتند که حال معنوی‌شان را منعکس می‌کند. حال معنوی آنها که گاه برای ساختن یک کار به یاد مظلومیت اهل بیت پیامبر در کربلا اشک ریختند و گاه خود را میانه میدان جنگ تصور کردند تا بتوانند اثری خلق کنند که دارای روح حسینی باشد. این تاثیر و تاثرات به امروز هم رسیده است. حالا هم موسیقیدان‌های بسیاری می‌گویند از ریتم‌های ماه محرم تاثیر گرفته یا زندگی هنری‌شان را مدیون امام حسین(ع) و موسیقی‌های عاشورایی منحصر به فردی که پیشینیان خلق کرده‌اند، می‌دانند.

کربلاخوانی؛ از پدر تا پسر

حسام‌الدین سراج، خواننده موسیقی ایرانی است. او فرزند یک روحانی صاحب‌نام در اصفهان بوده و مجالس نوحه‌خوانی پدرش بر او تاثیر بسیار گذاشته است. او دو آلبوم وداع ۱ و ۲ را هم درباره امام حسین (ع) خوانده و دیدگاه‌های خاصی هم در این باره دارد. این هنرمند می‌گوید: پدر من روحانی بود، اما به هنر و شعر خیلی علاقه داشت. با استاد تاج اصفهانی و مرحوم استاد حسن کسایی دوستی نزدیکی داشت و خانه‌مان به‌نوعی محفلی ادبی-موسیقایی بود. او روحانی خاصی بود، شعرهای عمان سامانی درباره کربلا را می‌خواند و گریه می‌کرد. من هم در محفل پدر به اشعار عمان علاقه‌مند شدم.

او درباره استقبالی که از آلبوم وداع شده، می‌گوید: من همیشه معتقدم اگر کاری بویی از حقیقت و درستی برده باشد مردم به صورت طبیعی نسبت به آن واکنش مثبت نشان می‌دهند و این یک امر طبیعی است؛ اما درباره کلمه مناسبتی باید بگویم کلمه جالبی نیست و درباره وداع هم آن را نمی‌پذیرم، چون موضوع امام حسین(ع) و قیامش در هیچ زمان و عنوانی نمی‌گنجد و نمی‌توان آن را مناسبتی نامید. هر جا مبارزه با ظلم اتفاق بیفتد، قاعدتا بهترین الگو و سرمشق حضرت امام حسین(ع) و یارانش هستند.

سراج همچنین عنوان می‌کند: بعضی‌ها می‌گویند چرا وارد این فضاها می‌شوی و معتقدند ورود کارهای مذهبی به موسیقی ایرانی موجب از دست‌دادن مخاطب می‌شود، اما من با این موضوع موافق نیستم و همیشه گفته‌ام دین با موسیقی منافات ندارد. به نظرم کسی می‌تواند در این زمینه اظهارنظر کند که اهل موسیقی باشد و نسبت به آن آگاهی داشته باشد. ارائه اثر مهم است، یعنی اگر موسیقیدانی بگوید دین با موسیقی منافات ندارد و یک نمونه و الگو برای این حرف ارائه کند، حرفش قابل تامل است.

خواننده‌ای که هنرش را از محرم دارد

محمد معتمدی خواننده موسیقی ایرانی از جمله هنرمندانی است که بارها گفته هنرش را از ماه محرم دارد. او در عرصه موسیقی مذهبی تجربه های موفقی دارد که از میان آنها می توان به مناجات خوانی که ماه‌رمضان چند سال گذشته به‌طور رایگان منتشر شد، اشاره کرد.

معتمدی متولد شهرکاشان است. جایی که در نوحه خوانی های مذهبی و برگزاری آیین های ماه محرم مشهور است. او تاکنون بارها به تاثیری که از ماه محرم و نوحه خوانی های خاص آن گرفته اشاره کرده است.

اگر تازه ترین آلبومش با نام حالا که می روی به آهنگسازی فرید سعادتمند را بشنوید، متوجه خواهید شد بدون آشنایی با نوحه های اصیل نمی شود این آلبوم را تا این حد قوی اجرا کرد.

او می‌گوید در کودکی گاه در هیات محله نوحه می‌خوانده و گاه در تعزیه نقش فرزندان امام حسین (ع) را بازی می‌کرده است.

معتمدی با بیان این‌که هنرش را از محرم دارد، اینطور توضیح می‌دهد: آیین‌های عاشورایی ۱۴۰۰سال است که نزد مردم ایران برگزار می‌شود و حتی طبق تجربه ثابت شده هرچند سال‌های زیادی از این واقعه گذشته، اما تاثیرش پررنگ‌تر شده و بین مردم عزیزتر شده است. محرم برای من هم همین حس و حال را دارد. من هم در یک جامعه ایرانی اصیل به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام. شهری که من در آن به دنیا آمدم، نواها و صداهای محرمی همواره در آن طنین‌انداز بوده و علاقه‌مندی‌ام به موسیقی سنتی و کشیده شدنم به آن سمت، جرقه‌های اولیه‌اش از شنیدن نواهای مداحانی بود که در کودکی صدایشان را می‌شنیدم. نکته جالب توجه این بود که مداحان براساس آواز اصیل ایرانی اشعارشان را می‌خواندند و مداحی می‌کردند و این همه در شکل‌گیری شخصیت موسیقایی من تاثیرگذار بود.

میخکوب نوحه‌های عاشورا

لوریس چکناواریان، آهنگساز برجسته ایرانی که سمفونی عاشورا را هم درباره امام حسین (ع) نوشته، می‌گوید از کودکی صدای دسته‌های عزاداری جذبش می‌کرده است. او توضیح می‌دهد: بار تراژیک واقعه عاشورا آن قدر سنگین است که اگر بخواهی به آن فکر کنی، زیر بارش شانه‌هایت خم می‌شود. مگر در تاریخ چند نفر بوده‌اند که حاضر شده‌اند به خاطر خدا و عقیده‌شان یا روی همه داشته‌های زمینی خود را بگذارند؟ چند نفر وجود دارند که مثل حضرت عیسی مسیح(ع) یا امام حسین(ع) با بزرگ‌ترین سختی‌ها روبه‌رو شوند و باز هم بر سر عقیده‌شان بمانند؟ مسلما خیلی کم هستند. باور کنید عاشورا یکی از بزرگ‌ترین وقایع تراژیک جهان است که می‌تواند همه دنیا را تحت‌تأثیر قرار دهد.

او می‌افزاید: نگاه کردن به زندگی امام حسین(ع) نشان می‌دهد کشته شدن برای خدا عین عشق است. انگار که کنار خدا ایستاده باشی، به او تکیه داده باشی و با ایمان کامل بدانی حتی اگر کشته شوی کنار او ایستاده‌ای و همیشه هستی و همیشه نامت زنده خواهد ماند.

سازنده سمفونی عاشورا همچنین می‌گوید: محرم ماهی است که ایرانیان فارغ از فرهنگ، مذهب و قومیت آن را گرامی می‌دارند و در این ایام به عزاداری سرور و سالار شهیدان می‌پردازند. می‌دانید چرا؟ چون حادثه بزرگ نمی‌تواند انسان را تحت‌تأثیر قرار ندهد. مسلمان‌ها در ایران هم همیشه برای عیسی مسیح (ع) احترام خاصی قائل بوده‌اند و شاید با همین احترام متقابل است که فضایی برای شناخت بهتر از یکدیگر پیدا کرده‌ایم و بسیاری از ارامنه هم عاشق امام حسین(ع) و واقعه عاشورا شده‌اند.

جا دارد یادی کنیم از رضا صادقی خواننده موسیقی پاپ که هر سال در زادگاهش بندرعباس نوحه‌خوانی می‌کرد اما امسال به‌دلیل زمین خوردن و عمل جراحی پایش جایش در عزاداری ماه محرم خالی بود

فراخوان مسابقه بین‌المللی کارتون هلند

مسابقه بین‌المللی کارتون هلند با موضوع «دوستی» (بین افراد با فرهنگ‌های مختلف) برگزار می‌شود. هنرآنلاین درباره این خبر نوشته که حضور تمامی هنرمندان از سراسر جهان در این رقابت آزاد است. هر شرکت‌کننده می‌تواند حداکثر تا پنج اثر به مسابقه ارسال کند و این آثار نباید قبلا منتشر یا برنده جایزه شده باشند.

گفتنی است هیات داوران پس از بررسی آثار به نفر اول مبلغ هزار یورو، نفر دوم: ۷۵۰ یورو و به نفر سوم مبلغ ۵۰۰ یورو به همراه تندیس اهدا می‌کند؛ همچنین یک جایزه ویژه به ارزش ۲۵۰ یورو به هنرمند منتخب تقدیم می‌شود. علاقه‌مندان به حضور در این رویداد هنری می‌توانند آثار خود را به همراه مشخصات کامل و بیوگرافی هنرمند حداکثر تا تاریخ ۹ مهرماه سال جاری به info@cartoonfestivalrotterdam.nl ارسال کنند.

«نوای محرم» به برج آزادی می‌رسد

نمایشگاه گروهی نقاشی «نوای محرم» در تالار آیینه برپاست. مهر این خبر را منتشر کرده و توضیح داده که این نمایشگاه با حضور منیره نوری و هنرآموختگان نقاشی به نمایشگاه گردانی مریم طهماسبی با ۳۷ اثر به سبک‌های نقاشی، آبرنگ، نگارگری، پاستل و سیاه قلم و با موضوع مناسبتی محرم افتتاح شده و تا آخرین روز شهریور ادامه دارد.

علاقه‌مندان می‌توانند همه روزه به‌جز شنبه‌ها از ساعت ۹ تا ۲۰ و ۳۰ دقیقه از این نمایشگاه بازدید کنند.

نوبت دوم

شهرداری اسلامشهر

آگهی فراخوان عمومی

شهرداری اسلامشهر در نظر دارد، بر اساس شیوه نامه امور سرمایه گذاری و مشارکت و به استناد مصوبه هیات عالی سرمایه گذاری شهرداری به شرح ذیل نسبت به شناسایی و ارزیابی سرمایه‌گذار واجد شرایط به عنوان شریک سازنده دارای توان فنی، اجرایی و مالی کافی به روش (B.O.L.T) ساخت- بهره‌برداری- اجاره- انتقال، با بهره‌برداری تجاری حاصل از ساخت و اجرای پروژه کافه رستوران و کفسازی و محوطه‌سازی و تسهیلات خدماتی رفاهی در میدان و کیوسک‌های مدرن نودل بر پهنه پیاده راه در شرف احداث بلوار امام حسین (ع)- (باغ فیض)

لذا از علاقه‌مندان محترم به سرمایه‌گذاری دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد فراخوان عمومی از روز **۱۳۹۸/۰۶/۲۱** به مدت **۱۰** روز کاری به دبیرخانه حوزه سرمایه‌گذاری واقع در اسلامشهر- میدان نماز- بلوار الغدیر- خیابان تعاون- ورودی پایانه مسافربری برون شهری- ساختمان مدیریت سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری اسلامشهر مراجعه نموده و نسبت به دریافت اسناد فراخوان اقدام نمایند. ضمناً علاقه‌مندان می‌توانند جهت اخذ اطلاعات بیشتر با شماره تلفن **۵۶۶۹۳۳۲۰-۵۶۶۹۳۳۸۰-۵۶۳۵۰۰۳۰** -۰۲۱ در ساعات اداری تماس حاصل نمایند.

هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده فراخوان می‌باشد.

ردیف	عنوان پروژه	روش سرمایه گذاری و مشارکت	شماره صورتجلسه هیأت عالی سرمایه‌گذاری	آدرس(محل احداث پروژه)	توضیحات
۱	احداث پروژه کافه رستوران و کف و محوطه‌سازی و تسهیلات خدماتی و رفاهی در میدان و کیوسک‌های مدرن نودل بر پهنه پیاده راه	B.O.L.T	۶۰۹۲۶ / ۹۸/۵/۲۷	پیاده‌راه در شرف احداث بلوار امام حسین(ع)- باغ فیض	افراد حقیقی یا حقوقی

حسین طلا – شهردار اسلامشهر

تورق

نگاهی به مجموعه داستان «حوای سرگردان» نوشته محمد قائم‌خانی

دوزیستی

مهدی زارع
نویسنده

سال‌ها پیش وقتی روستایی که در آن بزرگ شده بودم را به مقصد تحصیل در دانشگاه ترک کردم، تصور می‌کردم از روستا تصویری کامل دارم و گمان می‌کردم شهر هم چیزی شبیه روستاست با همان قواعد. با همان مشی. باوری که به خاطر انبوه اطلاعات اشتباه در من شکل گرفته بود. این اطلاعات اشتباه چیزهای هدفمند برنامه‌ریزی شده و برآمده از توطئه‌ای پنهانی نبود. پویانمایی‌های تلویزیونی ماجراهای پسربچه و سگش را روایت می‌کردند که در مسیر رسیدن به هدف، شهر و روستا را یکسان طی می‌کردند یا دختر و مادری یا پدربزرگ و نوه ای یا... فیلم‌ها و سریال‌ها هم چنین بودند. حتی مطالب مندرج در کتاب‌های درسی هم. در تمامشان شهرها و روستاها با تمام تفاوت ذاتی‌شان در مقابل تصمیمات قهرمان یکسان بودند.

انگار آنها که این اطلاعات را به ما می‌دادند یا برای ما طراحی می‌کردند، تنها کنج کتابخانه مرتبی، دور از هیاهوی زندگی نشسته بودند و خودشان را درگیر بایدها و نبایدهای ایده‌آلیستی‌ای کرده بودند که با واقعیت فاصله داشت. انگار نه روستا را دیده بودند و نه شهر را. شهر برایشان در بهترین وضعیت، چیزی شبیه تهران سال ۴۰ بود. ادبیات کلاسیک هم که بی‌شک نمی‌توانست به این اختلاف معاصر اشاره کند و دریغ از ادبیات معاصر در محیط‌های آموزشی عمومی.

نه به انسان گلخانه‌ای

وقتی به کودکی می‌گویی معیارهای زندگی این است و آن است و فلان جور باش و بهمان جور و حواست هم نیست که محیط پیرامون کودک موجب چه برداشتی از این آموزه‌ها می‌شود، حاصلش چیزی جز بیگانگی نوجوانان و جوانان با واقعیت زندگی در جامعه نخواهد بود. این انبوه اطلاعات مخدوش، چه حاصل نظام همسان‌ساز باشد و چه نظام سانسور، فرقی در اصل مشکل ندارد. بیگانگی، مهم‌ترین مشابهت انسان‌ها در نظام‌هایی خواهد بود که بخواهند انسان را به صورت گلخانه‌ای آماده حضور در جامعه کنند.

در برخورد با اولین داستان مجموعه «حوای سرگردان» بیش از هر چیزی تلاش نویسنده برای آشنایی‌زدایی از خوب و بدها به چشمم آمد. جایی که در نهان زندگی و تصمیمات یک شالیکار شاه‌دوست، فردی متعهد به نیازهای جانباز دفاع مقدس به چشم می‌خورد. این تلاش برای آشنایی زدایی از خوب و بدها البته در اکثر داستان‌های مجموعه دیده می‌شود. در داستان «برند»، دختر ساده و زیبای روستایی برای کار در یک فروشگاه به مضمون عشق خیانت می‌کند. در داستان «گورزا» منتقد خان و خانسالاری، اسراری از زندگی خان می‌گوید که امانتداری خودش را زیر سوال می‌برد، در «بازی برفین» دختر دلخواه روستا، تن به باورهای غیرمعمول می‌دهد و پسر معتقد، ابزار دست نابودی مرکبات بومی می‌شود و همین‌طور تا آخر. با وجود این رگه تحول شخصیت و آشنایی‌زدایی از آنها، خواندن داستان‌های مجموعه، یکی از عمده دغدغه‌های شخصی من را هم تحریک کرد. تفاوت انسان روستایی و انسان شهری.

آشنایی‌زدایی از یک چهره تصنعی

محمدقائم خانی؛ نویسنده مجموعه داستان «حوای سرگردان»؛ چه براساس تجربیات زیستی و چه برمبنای پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی‌اش؛ در این مجموعه داستان کوتاه، به مطلبی انگشت گذاشته که نشان از آگاهی‌اش به تفاوت‌های بنیادین در دو زیستگاه متفاوت و عمده اجتماعات بشری، یعنی شهر و روستا دارد.

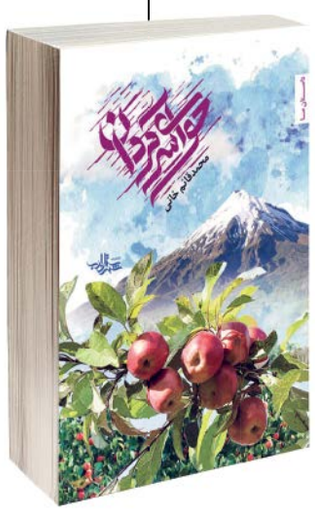

در کنار آشنایی‌زدایی از خوب و بدها، نویسنده حوای سرگردان، تلاش دارد از چهره تصنعی روستا و روستایی هم آشنایی‌زدایی کند. هر چند فرصت محدود داستان کوتاه مجال بسط و گسترش کافی این تفاوت‌ها را برایش فراهم نمی‌کند اما در همین مجال اندک هم آشنایی‌زدایی او از روستا و انسان برآمده از آن، به‌خوبی مشخص است.